

بررسی وضعیت کودکان ساکن در زندان به همراه مادران زندانی

علی ربانی خراسگانی^۱

زینب شعبانی^{*۲}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۲۰

چکیده

وجود کودکان ساکن در زندان به همراه مادران زندانی مشکلی است که می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات بعدی شود. قوانین در جهان و ایران اجازه داده‌اند برای کاهش آسیب‌های روانی برای مادر و کودک این کودکان بتوانند مدتی را - تا ۶ سال - در زندان و در کنار مادران خود زندگی کنند. اما آیا زندان می‌تواند امکانات مناسب برای رشد این کودکان را فراهم نماید؟ کودکان تربیت شده در این مکان چه وضعیتی خواهند داشت؟ این تحقیق در قالب یک مطالعه کیفی و به شیوه‌ی مصاحبه عمیق سعی دارد شرایط کودکان در زندان را بررسی نماید. نمونه‌های مورد مصاحبه دو تن از مطلعین کلیدی هستند که با شرایط این کودکان از نزدیک آشنا بوده‌اند و ۳ تن از مادرانی که در این شرایط زندگی کرده‌اند. این کودکان از نظر شرایط زندگی شامل؛ غذا، وسایل رفاهی و بازی، وسایل آموزشی در وضعیت نامناسبی قرار دارند. تحقیقات نشان داده است عمدتاً این فرزندان دچار سرخوردگی و کمبود محبت شده و جذب گروه‌های بیرون از ساختار خانواده می‌شوند و در نهایت احتمال بیشتری وجود دارد که به انحراف کشیده شوند. کمترین کاری که می‌شود برای کودکان انجام داد و در قانون نیز پیش‌بینی شده است تعبیه یک مهدکودک در زندان است که می‌تواند تا حدودی بخشی از بار مشکلات را کم کند.

کلید واژه‌ها: الگوی پارادایمی، زندان، کودکان، مادران زندانی

Email: a.rabbani@ltr.ui.ac.ir

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

Email: z.shabani1336@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان (حقوق زن در اسلام) دانشگاه

اصفهان (نویسنده مسئول)

مقدمه

کودکان آسیب پذیرترین گروه جامعه انسانی هستند و نخستین کسانی هستند که در هجوم مستقیم انواع فشارها و مشکلات ناشی از زندگی بزرگترها قرار گرفته و آن را تحمل می کنند. امروزه میلیون ها کودک در سراسر جهان به دلیل بی سرپرستی، آوارگی های ناشی از جنگ و بلایای طبیعی، تغذیه نامناسب، آلودگی به انواع بیماری های خطرناک، اعتیاد والدین و مشکلات ناشی از طلاق، یا در شرایط دشواری به سر می برند یا در چنگال افراد پلید به انواع سوءاستفاده های انسانی مانند توزیع مواد مخدر، خود فروشی و کار اجباری تن می دهند و به تعبیری بهتر، حقوق آنها نقض می شود.

دوران کودکی می تواند بنای زندگی سالم و سعادت‌مندانه را پی ریزی کند و از بروز بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری کند. بسیاری از نابسامانی های روانی و اخلاقی انسان ناشی از تربیت نادرست او در دوران کودکی است. دامن مادر، نخستین مدرسه و اولین پایگاه تربیتی است. در این مدرسه کودک علم، اخلاق و دین می آموزد و مهم تر اینکه آنچه کودک در این مدرسه یاد می گیرد، برای همیشه در نزد او باقی می ماند. طفلی که به این دنیا پای می گذارد آگاهی و نیروی کافی ندارد و کاملاً متکی به مادر است. تأثیر اخلاقی مادر به گونه ای است که حتی می توان ادعا کرد که راه و رسم زندگی بعدی کودک، ادامه همان روش زندگی کنونی مادر است (برجی نژاد، بی تا).

با این وجود گروهی از کودکان را در جامعه می بینیم که مجبور هستند بهترین سال های عمر خود را در کنار مادران بزه کار خود در زندان سپری کنند. آمارهای موجود نشان می دهد که شیوع جرم زنان در بسیاری از کشورها در حال افزایش است و همگام با آن پدیده زنان زندانی رو به توسعه گذاشته است. متأسفانه کشور ایران نیز از این رویداد بی نصیب نمانده و سالانه هزاران زن به علل مختلف وارد زندان های کشور می شوند (شاهیوندی، ۱۳۸۹: ۸۰). یکی از دشوارترین چالش های مربوط به حبس زنان، چگونگی رسیدگی به وضعیت زنانی است که صاحب فرزند هستند. برخی از زنان زندانی دارای کودکان نوزاد یا خردسال هستند که جدایی آنان از فرزندانشان به دلیل حبس، دارای تأثیر شوک آمیز و طولانی مدت بر این مادران و فرزندان است. برای رفع این مشکل یک راهکار در تمام کشورها وجود دارد، اینکه این مادران می توانند نوزادان خود را در زندان تا سن معینی نگه دارند، این دامنه ی سنی معمولاً از یک تا شش سالگی می باشد و گاهی از کشوری به

کشور دیگر متفاوت است. در این میان مشکلاتی برای این کودکان پیش می‌آید که لزوم توجه به این مسأله را ایجاب می‌کند (معاونت حقوق قوه قضاییه، ۱۳۸۸: ۳۶).

ادبیات پژوهشی

انحرافات اجتماعی، به‌ویژه انحرافات زنان، سلامت و امنیت روانی، اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی جامعه را تهدید می‌کند و جامعه برای استمرار خود و برای جلوگیری از انحرافات اقداماتی به‌منظور بازپروری افراد بزهکار به عمل می‌آورد و این امر جز از طریق شناخت دقیق عوامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده گرایش به انحراف امکان‌پذیر نیست.

در خصوص زنان زندانی تحقیقات متنوعی در ایران صورت گرفته است. برخی از تحقیقات به بررسی مشکلات زنان زندانی پرداخته‌اند. اکبر سلیمانی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان بررسی شیوع افسردگی در زنان زندانی استان بوشهر بیان کرد که یکی از پیامدهای زندانی نمودن زنان، ایجاد فرسودگی در بین آنان است که به شکل افسردگی، ناامیدی، و انزوا ظاهر می‌شود. برخی تحقیقات به بررسی اختلالات شخصیت در زنان زندانی پرداخته‌اند (اولاد عبدالهادی و همکاران). برخی از تحقیقات پیامدهای زندانی شدن زنان را بررسی کرده‌اند. از جمله پیامدهای زندانی کردن زنان شیوع رفتارهای پرخطر است (خورش، ۱۳۹۰). نتایج تحقیقی که در شهر اصفهان انجام شد نشان می‌دهد که به‌دلیل بالا بودن تراکم جمعیتی در زندان‌ها و پایین بودن سطح دانش و فقر فرهنگی رفتارهای پرخطری مانند تزریق مواد مخدر در بیرون یا درون زندان و ابتلا به عفونت‌های ناشی از ویروس هپاتیت و ایدز رو به افزایش است.

یک دسته از تحقیقات به بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم زنان (معصومه باقری و حسین ملتفت، ۱۳۸۸- احمد شاه‌یوندی و همکاران، ۱۳۸۹) پرداخته‌اند و برخی محققان شرایط و وضعیت یک جرم خاص را موضوع تحقیق خود قرار می‌دهند. صفا مقصدلو و همکاران او (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان ارتکاب به قتل در زنان قاتل، به‌صورت یک پژوهش کیفی این مسأله را بررسی کردند. آنها طی یک مطالعه‌ی کیفی به بررسی شرایط دوران کودکی و خانوادگی و شرایط ازدواج و ویژگی‌های فردی ۱۹ تن از زنان زندانی در زندان اصفهان پرداختند. عامل عمده در ارتکاب به قتل در این زنان مشکلات بعد از ازدواج بیان

شده است و در بیشتر موارد مقتول فردی پرخاشگر، با سابقه آزارهای جسمی، جنسی و روانی شدید نسبت به همسر، معتاد و دارای مشکلات اخلاقی بوده است.

با بررسی تحقیقات داخلی نبودن مطالعه علمی در خصوص کودکان زندان به شدت احساس می‌شود. برجی نژاد در تحقیق خود با عنوان نقش مادر در تربیت کودک بیان نموده است، شرایط زندان باید برای این کودکان مشابه فضای خارج از زندان طراحی شود. امکاناتی مانند مهد کودک با مربیان مناسب برای آنها در نظر گرفته شود. نباید با این کودکان مانند زندانی رفتار شود و نباید تنبیهات انضباطی در مورد آنها اجرا شود. مقامات زندان باید با کلنیک‌های بهداشتی و مراکز واکسیناسیون هماهنگ کنند تا سلامت کودکان تأمین گردد.

در واقع این کودکان باید هنگام ترک زندان آزاد باشند و در فعالیت خارج از زندان شرکت کنند. با وجود تمام این تدابیر و قوانین حمایتی مشکلات روانی و جسمی فراوانی این کودکان را تهدید می‌کند. به‌عنوان مثال این کودکان از یک زندگی باثبات محروم هستند و ممکن است در آینده از الگوهای رفتاری مادرانشان تبعیت کنند. محققین نیز ثابت کرده‌اند که درصد زیادی از این کودکان بعد از بزرگ‌شدن خود دست به کارهای مجرمانه زده و مجدداً وارد زندان می‌شوند (برجی نژاد، بی تا: ۱۹۸). در این تحقیق سعی خواهد شد وضعیت این کودکان در زندان و روند اجرای قانون بررسی شود.

کودک

تربیت کودک و شکل‌گیری شخصیت او از پیش از تولد آغاز می‌شود و اختصاص به وجود عینی کودک در کنار والدین ندارد و اموری مانند غذایی که پدر و مادر استفاده می‌کنند، شرایط در زمان انعقاد نطفه و نوع نگرش به بارداری و رفتار مادران در زمان بارداری و ... در این مقوله تأثیرگذارند. در دین مبین اسلام تأکید زیادی بر تربیت کودک شده است. از انتخاب نام نیک گرفته تا انتخاب مربی خوب و شایسته توصیه‌هایی است که در دین اسلام برای تربیت کودکان بیان شده است. دوره شیرخوارگی دوره پرورش جسمی و روانی کودک است؛ لذا کار کودک در خوردن و خوابیدن خلاصه می‌شود. با رشد زبان و رشد کلامی او ارتباط بیشتری با محیط برقرار می‌کند و قدرت تقلیدی زیاد و امید به نگهداری و حافظه نسبتاً قوی به این ارتباط کمک می‌کند. در این دوران یک مربی خوب می‌تواند کمک کند تا کودک هر چه بیشتر به رشد خود توجه کند. فضای معنوی و عاطفی خانواده، تغذیه،

بهداشت و بازی و... می‌تواند در این زمینه بسیار مؤثر باشد. وظیفه مهم تربیت در این دوره به عهده مادر است. چون همبستگی و اعتمادی که در طول دوران بارداری بین مادر و جنین به وجود می‌آید با به دنیا آمدن کودک پایان نمی‌یابد. بلکه علاقه طبیعتاً بیشتر و شدیدتر می‌شود و لذا با علاقه‌هایی که خداوند در وجود مادر نهفته، وقت و انرژی خود را صرف مراقبت و نگهداری از او می‌کند.

بیشترین یادگیری کودک در سه سال نخست به وسیله بازی صورت می‌گیرد. بازی‌های دوران یادگیری مانند نو برگ‌های درخت زندگی هستند. زیرا تمام وجود آدمی با آن گسترش یافته و در آن منعکس می‌گردد. بازی در سه سال اول زندگی نقش مهمی دارد تا جایی که امام صادق(ع) می‌فرماید: «فرزند خود را آزاد بگذار تا سن هفت سالگی بازی کند»^۱ (یوسفی‌مصری، ۱۳۹۱). والدین و کارشناسان از سال‌ها پیش دریافته‌اند که آموزش‌های سه سال اول زندگی کودک می‌تواند ضامن موفقیت‌های بعدی کودک باشد. بی‌تردید کودکانی که در سایه توجه والدین و حمایت‌های محیطی همه جانبه از آنان رشد می‌نمایند، یادگیری بهتری در مقایسه با کودکان پرورش یافته در محیط‌های غیرمناسب، که از توجه مناسب والدین محروم بوده‌اند، خواهند داشت. با بهره‌گیری از امکانات نوین و قدرتمند آموزشی به‌ویژه تصویربرداری از مغز کودکان، پژوهشگران رشد مغزی آنها را با جزئیات و دقت بیشتری مورد مطالعه قرار می‌دهند. این پژوهش به پنج یافته کلیدی منتهی گردیده است که باید ضمن انتقال به والدین، به مهیا نمودن یک محیط مناسب برای کودکان جهت شروع سالم زندگی کمک نمایند:

- ۱- رشد مغزی صورت گرفته در دوره پیش از تولد و سال اول زندگی کودک، بسیار سریع‌تر از آن چیزی است که ما در گذشته معتقد بودیم.
- ۲- رشد مغزی کودک وابستگی زیادی به تأثیرات محیطی دارد.
- ۳- تأثیر محیط‌های اولیه در رشد مغزی، سال‌ها باقی خواهد ماند.
- ۴- تأثیرات محیطی نه تنها در تعداد سلول‌های مغزی و تعداد ارتباط‌های بین آنها مؤثر است بلکه بر نوع این ارتباط‌ها نیز تأثیر می‌گذارد.
- ۵- ما شواهد پزشکی جدیدی داریم که از تأثیر منفی استرس‌های اوایل عمر کودک بر عملکرد مغز حکایت می‌کند (قدوسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۵).

کودک بدون بازی با کودکان دیگر خودخواه، خودرای و خودبین می‌شود. بازی، شیوه همکاری با دیگران و رعایت حقوق آنان را به کودک می‌آموزد. کودک از راه بازی با کودکان دیگر، شیوهی ایجاد روابط اجتماعی با دیگران حل مسائل و مشکلات ناشی از آن را فرا می‌گیرد. بازی‌های گروهی به کودک می‌آموزد که باید در برابر کمک دیگران پاسخ‌گو باشد و محبت آنان را، به هر وسیله ممکن قدرشناسد. از سوی دیگر کودک از طریق بازی‌های گروهی، بردباری به‌هنگام شکست و خشنودی و فروتنی هنگام پیروزی را فرا می‌گیرد. کودک در نتیجه بازی با اسباب بازی‌ها، شکل، رنگ و حجم اشیاء را درک کرده، از طریق بازی‌ها و ورزش‌های مختلف، مهارت‌های گوناگون و مهمی را کسب می‌کند. بازی، کودک را با قابلیت‌هایش آشنا می‌سازد و این امر یاری‌دهنده وی در ایجاد تصویری از خویشتن است. بازی با فرصتی که برای بروز عواطف فراهم می‌کند، نقش پالاینده روانی برای وی دارد. بسیاری از تمایلات و نیازهایی که در زندگی روزمره کودک برآورده نمی‌شود، در بازی ارضاء شده، بدین ترتیب از شدت ناکامی‌های وی کاسته می‌شود (برجی، بی‌تا: ۲۰۵). علاوه بر این موارد فواید دیگری نیز برای بازی در دوران کودکی برشمرده‌اند که از بیان آنها صرف‌نظر می‌کنیم.

با توجه به تمام این نکات شرایط کودکانی را در نظر بگیرید که ناچار هستند بهترین سال‌های عمر خود را در زندان در کنار مادران خود سپری کنند. زندان‌های زنان به‌طور کلی سهم نسبتاً اندکی از بودجه کلی زندان‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و غالباً موقتی بوده، دارای ساختمان‌های کوچک بدون تسهیلات برای کار، آموزش، ورزش یا تسهیلات فرهنگی هستند که ممکن است در زندان‌های مردان یافت شود. در حالی که مراقبت‌های بهداشتی برای تمام زندانیان ضعیف است، این شرایط برای زندانیان زن بسیار بدتر است. به‌خاطر اینکه سیستم بهداشتی زندان برای مردان تأسیس شده بود، مراقبت‌های پزشکی عادی، مانند آلودگی‌های غذایی، معاینات پزشکی مخصوص زنان در زندان‌ها بسیار نادر است. چنین مراقبت‌هایی فقط در شرایط اورژانسی انجام می‌شود (اسلامی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۳۳). زندان یکی از محل‌های با تراکم جمعیتی زیاد است و پایین‌بودن سطح دانش و فقر فرهنگی زندانیان، عدم پایبندی به اصول اخلاقی و اجتماعی در اشاعه بسیاری از بیماری‌ها مؤثر شناخته شده است. مطالعات متعدد بیانگر وقوع رفتارهای پرخطر مانند تزریق مواد مخدر در بیرون یا

درون زندان می‌باشد که این جمعیت را در معرض خطر ابتلا به عفونت‌های ناشی از ویروس‌های عامل هیپاتیت B، هیپاتیت C و ایدز قرار داده است (خوروش، ۱۳۹۰).

با این وجود طبق تبصره ۱ ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها اعلام شده است که محکومان و متهمان زن می‌توانند اطفال خود را تا سن ۲ سال تمام به همراه داشته باشند. مدیران مراکز حرفه‌آموزی می‌توانند در هر مؤسسه یا زندان نسبت به تفکیک و جداسازی اطفال ۲ تا ۶ سال در محل مجزا (مهد کودک) اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال موصوف به بهزیستی یا مؤسسه‌های نگهداری اطفال مبادرت نمایند. همچنین در ماده ۹۱ آیین‌نامه مقرر شده، به تشخیص دایره مددکاری از سوی زندان سالیانه به متهمان و محکومان نیازمند به میزان مناسب لباس داده شده و نیازهای بهداشتی ضروری متهمان و محکومان زن نیز تأمین شود و نهایتاً در ماده ۴ آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مصوب ۱۳۸۵ آمده است (موسوی‌شهری، ۱۳۸۹).

ادبیات نظری

تحقیقات و نظریه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی ثابت کرده‌اند که شرایط و محیط زندگی و همنشینان در بزهکاری افراد در آینده مؤثر هستند. در این قسمت تعدادی از نظریه‌های مختلف برای تأیید این موضوع مطرح می‌شود.

الف) تأثیر خانواده بر بزهکاری کودکان

خانواده یکی از گروه‌هایی است که رفتار فرد را تا حدود معین می‌کند و به آن شکل می‌دهد. بنابراین اگر اعضای خانواده درست تربیت نیافته باشند ممکن است موجب گرایش فرد به کج‌روی شوند. البته زمانی که در مورد هنجارهای یک خانواده صحبت می‌کنیم باید به طبقه اجتماعی، گروه شغلی و سایر پاره‌گروه‌هایی که خانواده، جزئی از آنها را تشکیل می‌دهد توجه نماییم. خانواده به‌عنوان یک عامل کنترل غیررسمی باید جدی گرفته شود. چرا که علت بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایت در شهرهای بزرگ از هم‌پاشیدگی کانون خانواده و یا عدم تربیت صحیح خانوادگی است و خانواده و جامعه رابطه تنگاتنگ و متقابلی دارند و به‌علت همین ارتباط، اثر تغییرات و تحولات اجتماعی نیز بیش از هر نهاد دیگری به خانواده‌ها منتقل می‌شود. محیط خانوادگی، تربیت صحیح و نظارت قوی والدین در پیشگیری از وقوع جرم فرزندان تأثیرگذار است (محمدی، ۱۳۸۳: ۵۵). مطالعه و ارزیابی

نقش جرم‌زایی خانواده‌های نابسامان موجب گردیده که جرم‌شناسان به اهمیت آن تأکید نمایند و خانواده‌های نابسامان را در گروه عوامل جرم‌زا قرار دهند. بنا به نظر پروفیسور «لئوته»^۱ از هم پاشیدگی خانواده‌ها در اشخاصی که واجد خصوصیات زیر می‌باشند جرم‌زا محسوب می‌شود:

- ۱- در شخصیت آن افراد، استعداد جنایی و آثار خرده‌فرهنگ جرم‌زا وجود داشته باشد.
- ۲- این افراد از عوامل گوناگون ثمربخش خانوادگی که آنان را در مسیر فضائل و ملکات اخلاقی سوق دهد و از منهیات و انحرافات بازدارد محروم مانده باشد (مساواتی آذر، ۱۳۷۴: ۱۳۸).

اغلب به نظر می‌رسد خانواده از هم گسیخته که به دلیل فوت یکی یا هر دو والد، طلاق، جدایی یا فرار یکی از زوجین به وجود می‌آید، از دلایل جرم و بزهکاری می‌باشند. گسستگی روابط خانواده منجر به عدم رضایت اعضاء می‌شود. ساترلند نشان می‌دهد که (خانواده از هم گسیخته رابطه نزدیکی با بزهکاری پسرهای نوجوان ندارد) در همان زمان به نظر می‌رسید که نسبت بیشتر دخترها نشانگر این است که خانواده از هم گسیخته عامل مؤثری در مورد بزهکاری آنهاست (رنجبر، بی‌تا: ۲۸) تاثیر اعضای خانواده که قبلاً بزهکار بوده‌اند نه فقط والدین و برادر یا خواهران، بلکه نسبت‌های دیگر نیز از طرف جرم‌شناسان علاقمند به تحقیق آسیب‌شناسی خانواده در ارتباط با جرم بررسی شده است. بارت دریافت که فساد و جرم در خانواده‌های بزهکاران مورد مطالعه اش از نظر فراوانی پنج برابر بیشتر نسبت به خانواده غیربزهکار می‌باشد. ساترلند و کرسی به این نتیجه رسیدند که بزهکاران در خانواده‌هایی رشد می‌کنند که در وضعیت غیرعادی هستند و در آنها الگوهای بزهکارانه، ارائه می‌شود (همان، ۲۸).

(ب) نظریه‌های یادگیری اجتماعی

براساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرایند رابطه با افراد دیگر، به‌خصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود. اندیشمندی نظیر باندورا، ساترلند و تارد نظریه‌ی یادگیری اجتماعی را توسعه دادند. الگوهای رفتاری از طریق مشاهده رفتار دیگران شکل می‌گیرد. از نظر باندورا رفتار در نتیجه کنش متقابل بین شناخت و عوامل محیطی به وجود می‌آید، یعنی مفهومی که تأثیر متقابل نامیده می‌شود. شخص می‌تواند با

کمک فرایند الگوسازی و با مشاهده دیگران چه به صورت تصادفی و چه آگاهانه، یاد بگیرد. انتخاب الگوی یادگیری به وسیله شخص، تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر سن، جنس و موقعیت اجتماعی است و الگوهای برگزیده شده توسط فرد می‌تواند مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای رسمی جامعه باشد و همچنین فرد ممکن است الگوهای رفتار انحرافی را برگزیند. فرایند مدل‌سازی، در کانون توجه نظریه‌ی یادگیری اجتماعی قرار دارد که در آن شخص رفتار اجتماعی دیگران را به وسیله مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد و آموختنی‌ها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸: ۹۴).

ادوین ساترلند^۱ در نظریه یادگیری یا همنشینی افتراقی بر این باور بود که رفتار انحرافی در مصاحبت و معاشرت با هم‌نوایان در طول یک جریان جامعه طغیان، تخطی را آموخته و به سوی رفتار انحرافی کشیده خواهند شد. این که فرد با چه کسی ارتباط برقرار کرده تا حد زیادی تعیین‌کننده نحوه‌ی رفتار فرد خواهد بود. به عبارتی ارتباط با قانون‌شکنان و هنجارشکنان فرد را منحرف ساخته، عوامل متعدد، شدت، تواتر دوره، نسبت تماس‌ها و سن افراد تماس‌گیرنده در این کار به شدت تأثیر دارد. بنابراین، فرض اساسی ساترلند این است، که رفتار انحرافی در اثر همنشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. بنابراین ساترلند در نظریه فراوانی معاشرت کوشش می‌کند، تا نشان دهد جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی واقع می‌گردد. بنابراین، در نظریه ساترلند، مسأله یادگیری در محیط اجتماعی آلوده به فساد مطرح می‌شود و موضوع خرده‌فرهنگ‌های گوناگون در شهر مورد توجه قرار می‌گیرد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۹۰).

ساترلند در نظریه انتقال فرهنگی کج‌روی، بر این نکته مهم تأکید می‌کند که رفتار انحرافی، همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران، یعنی منحرفان و دوستان ناباب آموخته می‌شود. افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن، به سمت و سوی ناهمنوایی سوق داده می‌شوند (سخاوت، ۱۳۷۶، ۵۰).

نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز، یادگیری را در ارتباط با پیامدهای رفتار می‌داند. برجس و ایکرز (۱۳۹۶)، اظهار می‌دارند که همچون تمامی رفتارها، رفتار بزهکارانه نتیجه محرک‌ها یا واکنش‌های دیگران نسبت به آن رفتار است. بر مبنای بسط این نظریه، افراد رفتار

1. Edwin suther.nd.

اجتماعی را از طریق شرطی شدن یا الگوگیری^۱ مستقیم از رفتار دیگران یاد می‌گیرند. همچنین رفتار از طریق پاداش یا تقویت مثبت، تقویت می‌شود و با فقدان پاداش (مجازات منفی) یا مجازات واقعی (مجازات مثبت یا صریح) تضعیف می‌گردد. از این‌رو اگر رفتار فرد تقویت شود، منجر به تکرار رفتار خواهد شد؛ به تعبیر دیگر رفتار یادگرفته شده است. همین‌طور اگر فرد بعد از یک رفتار معین تنبیه شود، یاد می‌گیرد که از تکرار رفتار اجتناب کند. از نظر ایکرز (۱۹۹۹:۴۸۰) روند یادگیری در گروه‌های همسال (و با دیگر گروه‌ها) که باعث ایجاد و حفظ رفتار بزهکارانه می‌شود، عمدتاً شامل تعامل با دیگرانی می‌شود که درگیر در رفتار انحرافی هستند، از رفتار انحرافی حمایت می‌کنند، انحراف را تقویت می‌کنند و یکدیگر را در معرض الگوهای انحرافی می‌گذارند (ایکرز و همکاران، ۱۹۸۹؛ ایکرز، ۱۹۹۹؛ ایکرز و همکاران، ۱۹۷۹؛ ایکرز و جینسون، ۲۰۰۶؛ اسکینر و فریم، ۱۹۹۷).

(ج) نظریه‌ی کنترل اجتماعی هیشری

براساس نظریه‌ی کنترل اجتماعی هیشری، کجروی و انحراف ناشی از ضعف گسستگی تعلق فرد به جامعه است که بر اثر کنترل و نظارت به‌وجود می‌آید. کنترل اجتماعی، تداوم فرایند جامعه‌پذیری است. در جامعه‌پذیری، معیارهای جامعه به فرد یاد داده می‌شوند، سپس از طریق مکانسیم کنترل اجتماعی نظارت دائمی بر رفتار فرد صورت می‌گیرد تا افراد مطابق آن معیارها رفتار کنند و در صورت تخلف تنبیه می‌شوند (حیدری، ۱۳۹۱).

پارک، شاو و مک‌کی - محققان آمریکایی - ثابت کرده‌اند که در مناطق کثیف، همراه با از بین رفتن کنترل‌های اجتماعی که به‌وسیله آنها مردم به رعایت قیود نیز اعتقاد پیدا می‌کنند، اعمال جنایی به شکل طبیعی جلوه می‌کند. تراشر چنین می‌نویسد: «حالا که یک تعریف کلاسیک از زندگی گروهی در دست داریم، می‌توان گفت که تخلف و جنایت نتیجه‌ی طبیعی این نوع محیط است» (مساواتی‌آذر، ۱۳۷۴:۲۳).

(د) نظریه‌ی فشار اجتماعی

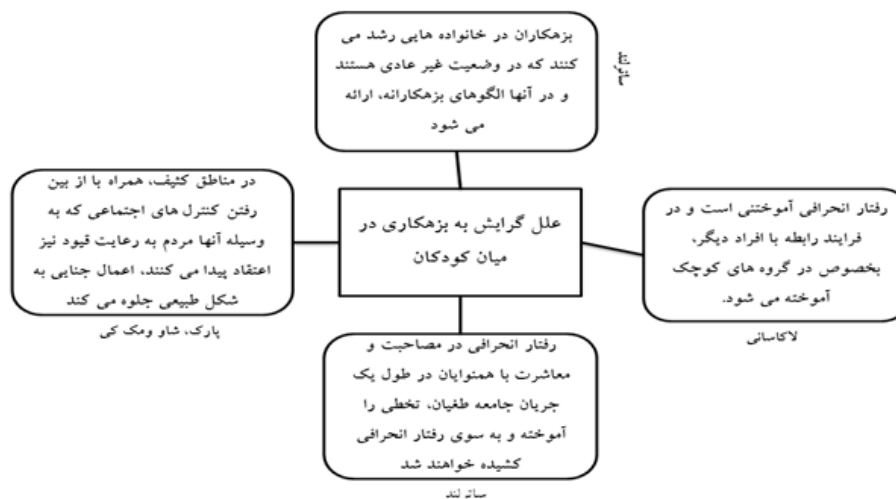
پروفیسور «ویرتون» معتقد است اطفال و نوجوانان، تابع جبری محیط اجتماعی خود هستند. زیرا در محیط اجتناب‌ناپذیر خانواده و یا محیط اتفاقی، خط سیر رفتار جوانان به وسیله افراد بالغ کاملاً تعیین می‌شود و این دو محیط در تربیت و عمل آنها تأثیر عمیق می‌گذارد و با نفوذ و حاکمیتی بسیار قوی حتی ارزش‌های فکری آنها را نیز معین می‌کند. بنابراین به نظر

او رهایی کودک و نوجوان از نفوذ و تسلط این نیروی جبری بسیار دشوار است. یعنی در مقابل یک فشار اجتماعی یا نیروی مشخصی می‌توان هر چیزی را مانند نتیجه در نظر گرفت (مساواتی‌آذر، ۱۹).

۵) مکتب محیط اجتماعی و فرهنگی

لاکاسانی (۱۸۴۳-۱۹۲۴) و مانوریه (۱۸۵۰-۱۹۲۳) منشا تبه‌کاری را در تأثیرات فرهنگی و اجتماعی یافته‌اند. طبق نظریه مکتبی که لاکاسانی پایه‌گذاری کرده، مجرم یک قربانی بیچاره نظام اجتماعی است و نقص سازمان اجتماعی او را جنایت‌کار کرده است. به عقیده وی مجرم مسئول عمل خود نیست و این اجتماع و تقصیرات دسته‌جمعی است که در عمل فرد نگوینخت بروز و ظهور می‌کند. تبه‌کار به عقیده لاکاسانی یک میکروب است که در هر محیطی می‌تواند رشد کند. هر جامعه دارای تبه‌کاران مخصوص به خود است و یا به عبارت دیگر تبه‌کاران مولود اجتماع خود هستند و اگر محیط اجتماعی آمادگی برای پروردن مجرم نداشته باشد فعالیت و رشد آن عقیم می‌ماند (مساواتی‌آذر، ۲۰). «ادوین ساترلند» معتقد است که اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل جرم‌زا قرار گیرد تا غیر جرم‌زا، شانس و احتمال قانون‌شکنی‌اش افزایش می‌یابد. به‌علاوه ساترلند اظهار می‌کند که اشخاصی که در معرض عوامل جرم‌زا واقع می‌شوند که برای سهیم بودن در همان فرهنگ، علایق و عقایدی داشته باشند و در آن اشکال معینی از رفتار ضداجتماعی و جنایی ممکن است مورد اغماض واقع شده و مردم احساس می‌کنند که برای همنوایی به آنها نیاز دارند (محمدی، ۱۳۸۳، ۲۲).

مدل مفهومی نظریه‌های اجتماعی تحقیق: محقق ساخته



در یک نگاه کلی عواملی چون وجود خانواده نابسامان، محیط‌های اجتماعی نامناسب، نبود کنترل اجتماعی مناسب و تعلق گروهی، زندگی در محیط‌های آلوده و الگوبرداری و تقلید از افراد در گروه‌های کوچک زمینه گرایش به جرم را در کودکان افزایش می‌دهد.

روش تحقیق

این تحقیق به صورت مطالعه کیفی است. در مطالعات کیفی محقق با استفاده از مشاهده، مصاحبه و مشارکت مستقیم در طرح پژوهشی به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد. هر کدام از این روش‌ها با توجه به موضوع موردنظر انتخاب می‌شوند. با توجه به که این مطالعه، یک مطالعه پدیدارشناسانه است و محقق در پی درک و توصیف معانی تجربیات زیستی افراد مورد پژوهش است. به دلایل قانونی امکان بازدید از زندان امکان‌پذیر نبود، برای دستیابی دقیق به اطلاعات از روش مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته استفاده شده است. مصاحبه یکی از مهم‌ترین و معمولی‌ترین روش‌های کسب اطلاعات در تحقیقات علوم اجتماعی به شیوه کیفی است. جامعه هدف فرزندان ساکن در زندان به همراه مادران زندانی هستند. با توجه به محدودیت‌هایی که در به‌دست آوردن اطلاعات وجود داشت، تنها با دو نفر از

مطالعین و ۳ تن از مادران مصاحبه انجام شد. با توجه به دشوار بودن دسترسی به نمونه‌ها تعداد محدود مصاحبه شونده نیز پاسخگو می‌باشد. مصاحبه‌ها در دو مورد از زندان‌های غرب کشور می‌باشند، که به دلیل محدودیت‌های امنیتی از بیان نام مصاحبه‌شونده‌ها و نام زندان‌ها معذور می‌باشیم. این افراد که به‌طور مستقیم با زندان نسوان در ارتباط بودند و وضعیت این کودکان را از نزدیک مشاهده نموده‌اند اطلاعات خود را تشریح نمودند. پاسخ‌های آنها ثبت شده و بعد از کدگذاری و مقوله‌بندی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

پایایی و روایی تحقیق

در تحقیقات کمی پایایی یا تکرارپذیری به معنای آن است که بتوان مطالعه‌ای را چنان تکرار کرد که یافته‌های مطالعه اصلی در مطالعات بعدی نیز به دست آیند، اما تحقیق کیفی مدعی تکرارپذیری به معنای فوق نیست؛ اما در تحقیقات کیفی پایایی و روایی از طریق تکرار کدگذاری‌ها و مقوله‌بندی‌ها یک تحقیق توسط محققین متفاوت تعیین می‌شود. لذا در این تحقیق بعد از کدگذاری و مقوله‌بندی از یک پژوهشگر خواستیم تا بعد از مطالعه تحقیق به کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها بپردازد و بعد نتایج را با کدگذاری اولیه مقایسه کرده و مورد بازنگری قرار دادیم. علاوه بر این تحقیق زیر نظر استاد راهنما انجام گردید.

یافته‌ها

جدول کدگذاری یافته‌های تحقیق:

توضیح	کد بندی متمرکز	کدگذاری اولیه
کودکان در محل نگهداری زنان بزهکار نگهداری می‌شوند. این زنان معمولاً دارای رفتاری خشن و روحیه‌ای ناسازگار هستند که نه تنها با هم‌بندی‌های خود بلکه با مأموران زندان و مددکاران هم درگیر می‌شوند و آرامش محیط را به هم می‌زنند. ساختمان زندان زنان معمولاً ساختمان کوچکی در کنار ساختمان مردان است که از داشتن فضاهای ورزشی، تفریحی و حتی کتابخانه محروم است.	محیط نگهداری	۱- هم‌نشینیان ۲- آرامش محیط ۳- فضای ساختمان

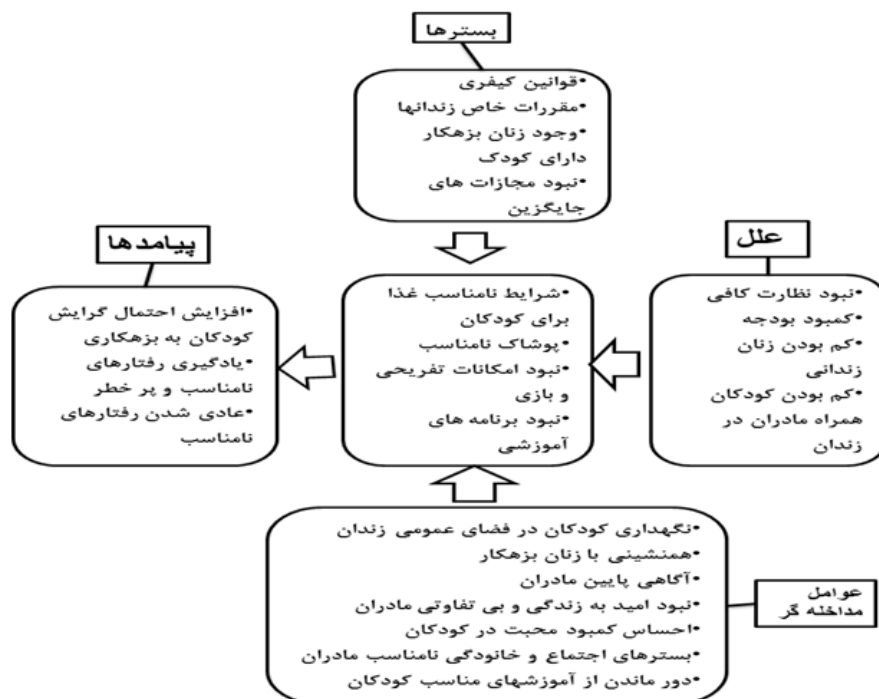
<p>این کودکان به دلیل اینکه وارد کردن وسایل به داخل زندان ممنوع است نمی‌توانند از اسباب‌بازی استفاده کنند. در فضای زندان هم هیچ نوع وسایل بازی برای آنها در نظر گرفته نشده است.</p> <p>در فضای زندان برای زنان وسایل ورزشی وجود دارد که کودکان هم از آنها آویزان شده و بازی می‌کنند.</p> <p>هم بازی‌های این کودکان، کودکان مشابه خود آنها هستند که در بندهای دیگر نگهداری می‌شوند.</p> <p>برنامه‌های تفریحی و جشن هم در زندان مردان وجود دارد که در زندان زنان از آنها هیچ خبری نیست. در حقیقت این کودکان از داشتن حقوق طبیعی محروم هستند.</p>	<p>امکانات تفریحی</p>	<p>۱- وسایل بازی ۲- محیط بازی ۳- هم بازی‌ها ۴- برنامه تفریحی و جشن</p>
<p>در قوانین ایران و جهان مسئولان زندان ملزم شده‌اند که برای این کودکان مهد کودک آماده کنند اما در زندان‌های ایران به ندرت این مسأله دیده می‌شود در زندان مورد مطالعه مهد کودک وجود ندارد. و مربی این کودکان همان زنان بزهکار هستند که در کنار آنها زندگی می‌کنند. این کودکان هیچ‌گونه برنامه تفریحی ندارند.</p>	<p>امکانات آموزشی</p>	<p>۱- مهد کودک ۲- مربی ۳- برنامه‌های تفریحی</p>
<p>غذای این کودکان از همان غذایی است که برای زنان و زندانیان دیگر آماده می‌شود. یعنی نیازهای طبیعی این کودکان در نظر گرفته نمی‌شود. حتی گاهی این کودکان سهم غذای جدا هم ندارد و از سهم غذای مادر خود استفاده می‌کنند. اغلب غذای زندانیان سیب‌زمینی و تخم مرغ است.</p>	<p>وضعیت غذا</p>	<p>۱- نوع غذا ۲- کیفیت غذا ۳- اندازه غذا</p>
<p>در زندان بهداشتی در داخل ساختمان زندان وجود دارد که در صورت نیاز می‌توانند مراجعه کنند و واکسیناسیون دوران کودکی این بچه‌ها در همان محیط انجام می‌شود. اما قرنطینه که زندانیان تازه وارد را در انجا نگهداری می‌کنند تا از بیمار و معتاد نبودن آنها مطمئن شوند وجود ندارد و لذا وارد شدن بیماری‌های جدید به زندان اجتناب‌ناپذیر است. در صورتی که زندان مردان قرنطینه دارد.</p>	<p>وضعیت بهداشت</p>	<p>۱- امکانات بهداشتی ۲- بیماری‌های محیط ۳- نیازهای دوران کودکی ۴- بهداشتی در محیط ۵- قرنطینه</p>
<p>به دلیل اینکه این زنان از داشتن حمایت‌های مالی در بیرون از زندان محروم هستند، نمی‌توانند نیازهای کودکان را تأمین کنند و حتی به جای مای بی‌بی برای کودکان از لباس‌های کهنه زنان دیگر استفاده می‌کنند.</p> <p>با اینکه در قوانین ایران وارد شده که مسئولان زندان در ابتدای هر سال لباس موردنیاز زنان و کودکان آنها را تأمین کنند اما این قانون در زندان‌های ایران اجرا نمی‌شود.</p>	<p>وضعیت پوشاک</p>	<p>۱- نیازهای دوران نوزادی (مای بی بی) ۲- لباس</p>

<p>۱- قوانین داخلی ۲- قوانین بین‌المللی ۳- اجرای قوانین</p>	<p>قوانین حمایتی</p>	<p>براساس قوانین داخلی و بین‌المللی زنانی که در داخل زندان وضع حمل می‌کنند یا کودک خردسال دارند می‌توانند کودکان خود را تا دو سال تمام در زندان نزد خود نگهداری کنند اما این کودکان از تمام حقوق طبیعی محروم هستند. بعد از دو سال اگر کودکان در بیرون از زندان کسی را نداشتند که از آنها حمایت کنند کودک به بهزیست واگذار می‌شود و اگر کودک دختر باشد در صورت تمایل مادر می‌تواند او را تا ۶ سالگی نزد خود نگهدارد. معمولاً تعداد این کودکان در زندان ۲ تا ۵ نفر است. قوانینی مثل تأمین پوشاک، غذای مناسب سن کودکان و تأمین بهداشت برای آنها در قوانین وارد شده است که در زندان‌های ایران اجرا نمی‌شود.</p>
<p>۱- ناامیدی مادر ۲- کم بودن محبت ۳- رفتار کودکان ۴- آینده کودکان</p>	<p>پیامدها</p>	<p>این کودکان رفتارهای موجود در محیط را به خوبی یاد می‌گیرند. بیشترین سخنان این کودکان شامل آن جملات است: « فرار کنین مامورین با باتون آمدن، خاموشی زدند، بریم هواخوری، بریم تو بند خودمون، و کلی حرف های زشت دیگر که هنگام دعوا زنان به هم می‌زنند و بچه‌ها یاد می‌گیرند». اکثر این کودکان در آینده خود به اعمال بزه‌کارانه دست زده و مجدداً وارد زندان می‌شوند. زنان به شدت احساس یاس و ناامیدی می‌کنند و افسردگی به میزان زیادی در میان آنها دیده می‌شود. مادری را دیدم که بعد از زایمان در زندان هیچ علاقه‌ای به کودک از خود نشان نمی‌داد و حتی از شیر دادن به کودک امتناع می‌کرد تا جایی که کودک روز بروز ضعیف‌تر می‌شد و مجبور بودیم از غذاهای کمکی برای تغذیه کودک استفاده کنیم.</p>
<p>۱- نداشتن بودجه ۲- نبود مؤسسات خیریه ۳- کم بودن زندانیان زن</p>	<p>علل شرایط</p>	<p>برخی علت این وضعیت را نداشتن بودجه برای اداره زندان‌ها، برخی دیگر نبود مؤسسات خیریه و حمایت‌های مردمی و برخی هم کم بودن زندانیان زن می‌دانند.</p>

نتیجه‌گیری و تحلیل داده‌ها

الگوی پارادایمی، نموداری است که به روشن کردن روابط میان یک پدیده، علل و پیامدهای آن، زمینه‌اش و استراتژی‌هایی که در آن حضور دارند کمک می‌کند.

الگوی پارادایمی یافته‌ها، محقق ساخته



الگوی پارادایمی یافته‌های نشان می‌دهند که قوانین حمایتی که در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها برای کودکان در نظر گرفته شده است در تعدادی از زندان‌های ایران اجرا نمی‌شود. این کودکان بی‌گناه تنها به خاطر داشتن مادری که یا بزهکار هستند و یا به دلایل خاصی گرفتار زندان شده‌اند مجبور هستند بخشی از عمر خود را در زندان سپری کنند. محیط زندان برای این کودکان بسیار نامناسب است.

جرم‌شناسان از عوامل مهم اجتماعی جرم به سه عامل خانواده، گروه همسالان و اجتماع اشاره نموده‌اند. تماس و ارتباط محیطی فرزند با والدین موجب شکل‌گیری شخصیت او می‌شود و در مواردی که والدین بزهکار یا زندانی هستند، این تأثیر به صورت بارزتری مشاهده می‌شود. غالب کودکان بزهکار متعلق به خانواده‌های از هم گسیخته هستند. علاوه بر این به طور معمول در خانواده‌ای که مادر زندان می‌رود احتمال فروپاشی خانواده بیشتر است. بر اساس آمار موجود، ۳۰ تا ۸۰ درصد مجرم‌شدن کودکان به دلیل متلاشی شدن خانواده آنان است. رفتارهای خشن والدین، آشفتگی روانی و استرس‌های محیطی نیز از عوامل سوق

دهنده کودک به بزهکاری است. فرزندان چنین خانواده‌هایی افراد ناتوان و بدبین و بدگمان خواهند بود، ضمن اینکه لغزش و جرم والدین از بابت بدآموزی و تقلید کودک و احساس شرم‌ساری فرزندان عامل مخربی در تربیت فرزندان محسوب می‌شود.

حال تصور کنید کودکی در بین افرادی زندگی می‌کند که یا قاتل هستند یا دزد و یا معتاد به مواد مخدر؛ در این فضا آنچه که این کودک می‌تواند یاد بگیرد چه می‌تواند باشد. فضایی ناآرام و متشنج که هر لحظه امکان درگیری یکی از اطرافیان با هم اتاقی‌های خود یا مسئولان زندان هست؛ ترس، اضطراب، درگیری‌های لفظی و حتی درگیری‌های فیزیکی موجود در این فضا، بازی کردن و کودکی را از یاد کودک می‌برد. اغلب مادران به دلیل افسردگی و ناامیدی از آینده خود تمایلی به نگهداری از کودک خود ندارند و این کودکان با کمبود محبت شدیدی از سوی مادر روبه‌رو می‌شوند. نبود محبت از سوی مادر، نداشتن کمترین امکانات برای زندگی، بازی و حتی آموزش که از ابتدایی‌ترین حقوق یک انسان است شرایط سختی را برای رشد این کودک فراهم می‌کند. برخی کشورها قوانین جایگزینی دارند که برای مادران به کار گرفته می‌شود تا کودکان با فضای زندان آشنا نشوند. حال که بعضی از کودکان به دلیل جبر اجتماعی باید در این فضا زندگی کنند، باید شرایطی فراهم شود که کمترین آسیب را ببینند.

یکی از وظایف سازمان و مسئولان اداره کننده زندان و ناظران زندان و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال جذب کمک‌های مردمی، مؤسسه‌های خیریه و برنامه‌ریزی جهت به کارگیری صحیح این نوع کمک‌ها به هدف بهبود امور زندان‌ها و مساعدت به محکومان و خانواده‌های آنها است. بالغ بر یک قرن است که در اکثر کشورهای جهان، مؤسسات خیریه به‌عنوان انجمن حمایت زندانیان با هدف کمک و حمایت زندانیان و خانواده آنان تشکیل یافته است. این انجمن‌ها، سازمان‌هایی غیرانتفاعی و مستقل از دولت‌ها هستند که علاوه بر استفاده از کمک‌های مردمی و سایر مؤسسات خیریه، بعضاً از بودجه‌های دولتی نیز استفاده می‌نمایند از جمله وظایف این انجمن‌ها، کمک مادی و معنوی به خانواده زندانیان، نظارت بر چگونگی رفتار متصدیان زندان‌ها با زندانیان، خصوصاً در زمینه مسائل حقوقی انسانی، بهداشت، درمان، آموزش، اقدامات مناسب برای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرائم و نظائر آن بوده است. شاید ساختن یک مهد کودک کوچک کمترین کاری باشد که می‌توان برای این کودکان انجام داد. کاری که در زندان‌های بعضی از استان‌ها انجام شده است. شاید تعداد

این کودکان در زندان کم باشد (به طور مثال ۱ تا ۵ کودک به طور همزمان در زندان زندگی کنند)، اما بی توجهی به این کودکان می تواند مشکلات زیادی برای آینده این کودکان و حتی جامعه ایجاد کند.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: نشر مهر، چاپ سوم.
- اله‌پناه. شبنم (۱۳۸۹)، "زاویه جامعه‌شناسی اعتیاد به مواد مخدر"، نشریه اصلاح و تربیت.
- اسلامی مقدم، طاهره (۱۳۸۹)، "زنان زندانی، چالش‌ها و تحولات"، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۱۰۵.
- باقری، معصومه و حسین ملتفت (۱۳۸۸)، "برخی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم زنان"، مطالعه نمونه‌هایی از زنان در شهر اهواز.
- بافکار، حسین (۱۳۸۷)، "نگاهی به حقوق کودک در اسلام و کنوانسیون جهانی"، پایگاه اطلاع رسانی حوزه طوبی، شماره ۲۷.
- برجی نژاد، زینب (بی‌تا)، "نقش مادر در تربیت فرزند"، فصلنامه طهورا.
- حیدری، اسلام، پارسامهر، مهران (۱۳۹۱)، "بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر وندالیسم (مطالعه موردی دانش‌آموزان شهر اهواز)".
- خوروش، فریبرز و همکاران (۱۳۹۰)، "شیوع رفتارهای پرخطر در زنان زندانی استان اصفهان"، مجله دانشکده پزشکی اصفهان، شماره ۱۵۰.
- رنجبر، علی‌اصغر و ایری، امان محمد (بی‌تا)، "بررسی مقایسه‌ای علل خانوادگی مؤثر در اعتیاد و بزهکاری نوجوانان در زندان‌های استان گلستان"، مجله اصلاح و تربیت، سال دهم، شماره ۱۱۲.
- زندوانیان، احمد و شمشادی، صادق (۱۳۸۹)، "ابعاد و مراحل تربیت جنسی دختران و زنان"، دوفصلنامه بانوان شیعه، سال هفتم، شماره ۲۵.
- سخاوت، جعفر (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران، دانشگاه پیام نور.
- شاهپوندی، احمد و همکاران (۱۳۸۹)، "بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب نوع جرم زنان در شهر اصفهان"، فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، شماره اول.
- طغرانکار، حسن (۱۳۸۷)، "زنان زندانی و جایگزین‌های مجازات حبس"، ضرورتی مغفول، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال هفتم، شماره ۷۳.

- فرجاد، م. (۱۳۷۵)، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: چاپ کامران، چاپ هفتم.
- قدوسی‌زاده، حسن (۱۳۸۹)، نکته‌های ناب، (گزیده بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی)، ج ۵، تهران: نشر دفتر معارف، چاپ هفتم.
- محبوبی منش، حسین (بی‌تا)، "اعتیاد مردان تهدیدی علیه زن و خانواده"، فصلنامه کتاب زن شماره ۲۲.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، چاپ اول تهران: نشر شرکت هامی انتشار.
- موسوی‌شهری، سیدمهدی (۱۳۸۹) "پیام ۱۴ ماده‌ای حضرت امام خمینی"، فصل الخطاب حقوق زنان زندانی، گزارش، سال نوزدهم، شماره ۲۱۷.
- مساواتی‌آذر، مجید (۱۳۷۴)، "آسیب‌شناسی اجتماعی ایران"، نشر میهن.
- یوسفی مصری، زهرا (۱۳۹۱)، "اصول تربیت دینی فرزند پس از تولد"، مجله خانواده صف، شماره ۵۲.
- معاونت حقوق قوه قضاییه، (۱۳۸۸).
- Akers, R. & La Creca, A.J. & Cochran, J. & Sellers, C. (1989) "Social Learning Theory and Alcohol Behavior Among The Elderly, The Sociological Quarterly, Vol. 30(4):625-638.
- Akers, R.L. (1999), "Social Learning and Social Structure :Reply to Sampson, Morash, and Krohn", in symposium on social Learning and Social Structure, Theoretical Criminology, Vol. 3(4):477-493.
- Akers, R. & Jensen, G.F. (2006), "The Empirical Status of Social Learning Theory of Crime and Deviance: The Past, Present, and Future", In F.T. Cullen, J. P. wright, & K.R. Blevins (Eds), Taking stock: The Status of Criminological Theory (pp:37-76). New Brunswick, NJ: Transaction Publishing.
- Skinner, W.F. & Fream, A.M. (1997), "A Social Learning Theory Analysis of Computer Crime Among College Students", Journal of Research in Crime and Delinquency, Vol. 34:495-518.